

A Criminological Approach to the Challenges of the Neoliberal Political-Economic System with a Look at the Coronavirus Conditions

Hossein Gholami*¹ Elahe Sadat Kasaei²

1. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

*. **Corresponding Author:** Email: gholami@atu.ac.ir

2. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: elahekasaei@yahoo.com



S.D.I.L.L.
The SD Institute of Law
Research & Study



انجمن جهانی حقوق بشر ایران

انجمن ایرانی حقوق جزا

Publisher:

Shahr-e- Danesh
Research And Study
Institute of Law

Article Type:

Original Research

DOI:

10.22034/JCLC.2021.242166.1407

Received:

21 September 2020

Accepted:

28 February 2021

Published:

6 September 2021



ABSTRACT

The widespread disease of COVID-19 is rapidly changing social relations and economic prospects around the world. This disease has exposed the toxic effects of the neoliberal system, which has dominated all aspects of our societies.

Now is the time to ask what kind of political-economic system can prevent the recurrence of harmful results? Certainly, the right policy in these critical situations can reduce the scope of the pervasive harms of this disease to some extent, including poverty, unemployment and, consequently, crimes in the near and distant future. Studies show that the neoliberal system influences a variety of crimes in a variety of ways, including the economic pressures of poverty and unemployment on different sections of

Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



society. However, welfare models are more effective in preventing the crime of citizens by providing and ensuring the security of citizens' lives. As the prevalence of the COVID-19 virus increases social harm, governments need to change their economic policy toward welfare to adopt a supportive approach to controlling social consequences.

Keywords: Neoliberalism, the model of welfare, criminology, delinquency, criminology.

Funding: The author(s) received no financial support (funding, grants, sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

Author Contributions: Hossein Gholami: Conceptualization, Methodology, Formal analysis, Investigation, Resources, Supervision, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing. Elahe Kasae: Conceptualization, Methodology, Formal analysis, Investigation, Resources, Supervision, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing.

Competing interests: The authors declare that they have no competing interests.

Citation:

Gholami, Hossein. "A Criminological Approach to the Challenges of the Neoliberal Political-Economic System with a Look at the Coronavirus Conditions" *Journal of Criminal Law and Criminology* 9, no. 17 (September 6, 2021): 127-151.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رویکردی جرم‌شناختی به چالش‌های نظام سیاسی اقتصادی نئولیبرال با نگاهی به شرایط کرونایی

حسین غلامی*^۱ الهه سادات کسائی^۲

۱. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Email: gholami@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: elahekasae@yahoo.com

چکیده:

بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ به سرعت در حال تغییر روابط اجتماعی و چشم‌انداز اقتصادی در سراسر جهان است. این بیماری اثرات سمی سیستم نئولیبرالیسم را که مدت‌زمانی طولانی بر تمام جنبه‌های جوامع ما حاکم بوده است را در معرض نمایش قرار داده است. اکنون زمان آن است که این پرسش را مطرح کنیم که چه نوع نظام سیاسی - اقتصادی می‌تواند از تکرار نتایج آسیب‌زا پیشگیری به عمل می‌آورد؟ یقیناً نحوه سیاست‌گذاری صحیح در این شرایط بحرانی می‌تواند تا حدودی از دامنه آسیب‌های فراگیر این بیماری از جمله فقر، بیکاری و نتیجتاً بزهکاری در آینده دور و نزدیک بکاهد.

مطالعات بیانگر آن هستند که نظام نئولیبرال به طرق مختلفی از جمله ایجاد فشار اقتصادی متأثر از فقر و بیکاری بر اقشار مختلفی از جامعه، بر بروز انواعی از بزهکاری اثرگذار است. این درحالی‌است که الگوهای رفاه‌گرایانه با تأمین و تضمین امنیت زیست شهروندان به نحوی در

کپی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کپی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت شرایط مجوز 4.0 Creative Commons Attribution Non-Commercial License منتشر می‌شوند که اجازه استفاده، توزیع و تولید مثل در هر رسانه‌ای را می‌دهد، به شرط آنکه به مقاله استناد شود. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحه سیاست‌های دسترسی آزاد نشریه مراجعه کنید.



نوع مقاله:

پژوهشی

DOI:

10.22034/JLCLC.2021.242166.1407

تاریخ دریافت:

۲ مهر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:

۱۰ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ انتشار:

۱۵ شهریور ۱۴۰۰



پیشگیری از بزهکاری شهروندان در موقعیت‌های آسیب‌زا مؤثرتر عمل می‌کنند. در شرایطی که شیوع ویروس کووید ۱۹ آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد، ضروری است حکومت‌ها با تغییر رویه سیاست‌گذاری اقتصادی خود به‌سوی الگوی رفاه، رویکرد حمایتی جهت کنترل پیامدهای اجتماعی اتخاذ کنند.

کلیدواژه‌ها:

نئولیبرالیسم، الگوی رفاه، جرم‌شناسی، بزهکاری.

حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان:

حسین غلامی: مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نظارت، نوشتن - بررسی و ویرایش، نوشتن - پیش‌نویس اصلی. الهه سادات کسائی: مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نظارت، نوشتن - بررسی و ویرایش، نوشتن - پیش‌نویس اصلی.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

استناددهی:

غلامی، حسین و الهه سادات کسائی. «رویکردی جرم‌شناختی به چالش‌های نظام سیاسی اقتصادی نئولیبرال با نگاهی به شرایط کرونایی». مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۹، ش. ۱۷ (۱۵ شهریور، ۱۴۰۰): ۱۲۷-۱۵۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

شیوع ویروس کووید ۱۹^۱ آثار بسزایی بر چرخه اقتصاد، سیاست و نتیجتاً زیست افراد در سراسر جهان خواهد داشت. از جمله پیامدهای منفی و قابل توجه این بیماری، مشکلات وسیع اقتصادی، محدودیت‌های مسافرتی، بسته شدن کارخانه‌ها و همچنین آسیب به بسیاری از مشاغل خدماتی است. شیوع ویروس باعث شده تا اقدامات زیادی برای مهار آن انجام شود که در نهایت اثرات اقتصادی بزرگی را به دنبال دارد. نتیجتاً ویروس از سه مجرای عرضه (اختلال شدید در زنجیره تأمین جهانی، بسته شدن کارخانه‌ها و تأثیر بر بسیاری از فعالیت‌های خدماتی)، تقاضا (کاهش مسافرت‌های تجاری و گردشگری، کاهش خدمات آموزشی و ...) و اطمینان (عدم اطمینان منجر به کاهش یا وقفه در استفاده از کالاها و خدمات و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد) بر اقتصاد تأثیر گذاشته که نتیجه آن افزایش فقر و بیکاری در برخی کشورهای جهان خواهد بود.

رویکرد دولت‌ها در مواجهه با این بحران به گونه یکسانی نبوده است، برخی از دولت‌ها سعی در حفظ جایگاه اقتصادی خود فارغ از توجه به زیست شهروندان و معضلات آتی آنها داشته و برخی در خلاف این جهت با سرمایه‌گذاری بیشتر بر بخش بهداشت و سلامت و همچنین تأمین حداقلی شهروندان به دنبال پیشگیری از آسیب‌های مضاعف اقتصادی و اجتماعی برای مردم هستند.

دولت نئولیبرال که سابقاً با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود از جمله حذف هزینه‌های عمومی، مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی، بازار آزاد و ... عملاً منجر به افزایش میزان آسیب‌های اجتماعی از قبیل فقر، بیکاری و گسست پیوندهای خانوادگی شده بود، در مواجهه با این بیماری نیز همواره به گسترش میزان آسیب‌ها دامن خواهد زد؛ این در حالی است که دولت رفاه با سیاست‌های حمایتی خود از قبیل برنامه‌های تأمین اجتماعی، حمایت از افسار آسپ‌دیده در نظام سرمایه‌داری، حمایت از شهروندانی که در این بحران شغل خود را از دست داده‌اند، حمایت از سالمندان و سایر سیاست‌های حمایتگر خود سعی در گذار از بحران با کمترین آسیب‌ها را دارد. آسیب‌های ناشی از رویکرد حداقلی به‌ویژه فقر و بیکاری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر میزان بزهکاری در جامعه اثرگذار است و اگر تلاشی جهت تغییر رویکرد سیاسی در این زمینه صورت نگیرد با تشدید آسیب‌های ناشی از کووید ۱۹ در آینده‌ای نه‌چندان دور با جوامع نابهنجار و افسارگسیخته‌ای روبه‌رو خواهیم شد که در آن هرگونه کنترل جرم غیرممکن می‌نماید.

به جهت اهمیت موضوع آنچه در این پژوهش مدنظر قرار می‌گیرد آثاری است که شیوع این بیماری متعاقب از یک نوع خاص از نظام اقتصادی سیاسی (دولت حداقلی) بر میزان جرایم در پی خواهد داشت؛ بنابراین در سه گفتار ابتدا اصول اقتصادی و اجتماعی دولت نئولیبرال را برشمرده سپس به آسیب‌های ناشی از این رویکرد می‌پردازیم و الزامات پیوند میان گزاره‌های آسیب‌زای رویکرد نئولیبرالیسم را با نرخ جرایم شرح خواهیم داد.

1. COVID-19

۱- سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت نئولیبرال

اصطلاح «نئولیبرالیسم» از دو مفهوم «نئو» به معنای جدید و «لیبرال» به معنای عاری از مداخله دولت تشکیل شده است. آغازگر اندیشه لیبرالیسم آدام اسمیت^۲ است که در اواسط دهه ۱۷۷۰، از نقش حداقلی دولت در امور اقتصادی با هدف شکوفایی اقتصاد حمایت می‌کرد.^۳

لیبرال‌ها مداخله دولت در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی را نپذیرفته و آن را موجب متزلزل شدن انضباط بازار، محدود شدن بخش خصوصی، نادیده گرفتن حق انتخاب مصرف‌کننده، ایجاد فرهنگ وابستگی، محدود شدن فضای آزادی فرد و حق تصمیم‌گیری و تضعیف مسئولیت مشترک می‌دانند؛ لذا مدل لیبرال، پسماندی^۴ و مبتنی بر بازار است.^۵

تفکر اقتصاد لیبرال تقریباً ۲۰۰ سال حکم‌فرما بود و به‌طور موقت در دهه ۱۹۳۰ توسط اقتصاد کینزی^۶ جایگزین شد. در دهه ۱۹۷۰، لیبرالیسم مجدداً با شعار مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی و حذف مداخلات دولت در اقتصاد بازار، با نام نئولیبرالیسم از سر گرفته شد.^۷

نئولیبرال‌ها بر این اندیشه‌اند که حکومت‌ها بیش از آنکه حلال مشکلات اقتصادی باشند، خود عامل اصلی این مشکلات به‌شمار می‌آیند. فریدمن^۸ که بزرگ‌ترین منتقد اقتصاد کینزی و مخالف مداخله دولت برای کاهش بیکاری و اشتغال‌زایی است بیان می‌دارد که دولت توان تأثیرگذاری بر نرخ طبیعی بیکاری موجود را ندارد و تلاش‌هایی که برای ریشه‌کن کردن بیکاری با استفاده از تکنیک‌های کینزی به کار می‌برند صرفاً به وخیم شدن مشکلات اقتصادی خواهد انجامید.^۹ در این نوع از دولت جامعه به افراد متمیزه‌شده‌ای فرو کاسته می‌شود که در گستره یک بازار جهانی

2. Adam Smith

3. Eleanor Horton. "Neoliberalism and the Australian healthcare system (factory)." In Proceedings of the 2007 Conference of the Philosophy of Education Society of Australasia (Australasia: Philosophy of Education Society of Australasia, 2007), 2.

۴. (Residual)، در مدل پسماندی، تأمین رفاه اجتماعی برعهده خانواده، خیریه‌ها و بازار است و دولت، تنها زمانی در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی مداخله می‌کند که خدمات بخش غیردولتی برای پوشش دادن گروه‌های فقیر ناکافی است. در این مدل، مداخله دولت عامل تضعیف آزادی‌های فردی، تضعیف نظام سنتی و طبیعی رفاه، کاهش انگیزه کار، توزیع ناکارآمد منابع، تضعیف مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تشدید مشکلات اجتماعی شناخته می‌شود و از این‌رو، مداخله دولت از طریق طراحی تورهای ایمنی برای گروه‌های آسیب‌پذیر و به‌صورت محدود صورت می‌گیرد. رفاه دولتی به‌شدت گزینشی، با مزایای اندک و مبتنی بر آزمون استطاعت مالی و به‌طور عمده با نوعی انگ زنی همراه است. نظام رفاهی آمریکا از این مدل تبعیت می‌کند.

۵. سعید وصالی و رضا امیدی، «سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه (۱۳۹۳)،

۱۸۵.

6. Keynesian Economics

7. Horton, (op. cit.), 2.

8. Milton Friedman

۹. اعظم عدالت‌جو و یاسر حسن‌زاده، «بررسی تأثیر مبانی نظری در مداخله دولت در عرصه‌های اقتصادی»، (مقاله ارائه

شده در اولین همایش ملی اقتصاد خلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، ۱۳۹۵/۱۲/۲۲).

در پی به حداکثر رساندن سود شخصی خود و دستیابی به مطلوب‌ترین کالای مصرفی هستند. این امر این‌گونه توجیه می‌شود که تحصیل سود افراد در آخر الامر به منافع جمع کمک می‌رساند. در ادامه به اختصار مهم‌ترین اصول نئولیبرالیسم را برمی‌شماریم:

(۱) قانون بازار: نئولیبرالیسم بر اهمیت روابط قراردادی در بازار تأکید دارد؛ چراکه برای مبادله مبتنی بر بازار به‌عنوان یک نظام اخلاقی که به‌خودی‌خود می‌تواند راهنمای همه کنش‌های انسان باشد و جایگزین تمام باورهای اخلاقی پیشین شود، ارزش قائل است.

(۲) قطع هزینه‌های عمومی برای خدمات اجتماعی مانند آموزش و مراقبت‌های بهداشتی: نئولیبرالیسم دولت را نوعی تلقی از فشار و عدم‌آزادی می‌داند و معتقد است که جمع‌گرایی خلاقیت فردی را محدود و عزت‌نفس و مناعت طبع را تضعیف و سست می‌کند. نئولیبرال‌ها دولتی با اختیارات محدود را «دولت مبتنی بر حقوق» و دولتی با کارکردهای محدود را «دولت حداقلی» می‌نامد.

(۳) مقررات‌زدایی: این اصل شامل کنار گذاشتن آن دسته از مقررات دولتی که سود را کاهش می‌دهد، همچون قوانین ایمنی و حفاظتی در محیط کار می‌گردد.

(۴) خصوصی‌سازی: این اصل دربرگیرنده فروش شرکت‌های دولتی، کالاهای خدمات به سرمایه‌گذاران خصوصی هست. این مورد شامل بانک‌ها، صنایع کلیدی، راه‌آهن، عوارض بزرگراه‌ها، برق، مدارس، بیمارستان‌ها و حتی آب آشامیدنی نیز می‌گردد.

(۵) حذف مفهوم «نفع عمومی» یا «اجتماع» و جایگزینی آن با «مسئولیت فردی»: این اصل به معنای اعمال فشار بر فقیرترین مردم جامعه برای یافتن راهی توسط خودشان برای تأمین مراقبت بهداشتی، آموزش و امنیت اجتماعی و سایر نیازهای اجتماعی‌شان و سپس مقصر دانستن آنها در صورت شکست و معرفی آنها به‌عنوان ناکارآمد می‌باشد. نئولیبرالیسم معتقد است با به حداکثر رساندن دامنه دستاوردهای ناشی از معاملات مبتنی بر بازار و افزایش تعداد این معاملات، خیر اجتماع به حداکثر خواهد رسید.

۲- آسیب‌های اجتماعی ناشی از شیوه عملکرد سیاسی و اقتصادی دولت نئولیبرال از منظر جرم‌شناسی

سیستم اقتصادی سرمایه‌داری، درحالی‌که مزایای کثیری برای بخش‌هایی از جوامع به‌وجود آورده، همواره به طیف وسیعی از شهروندان نیز آسیب وارد کرده است. شکل نئولیبرال سرمایه‌داری به هر دو صورت کمی و کیفی از انواع دیگر دولت‌ها مضرتر است؛ چراکه در قبال سیاست‌های آسیب‌زای خود تمایل چندانی به پیشگیری از آسیب‌ها و یا کاهش تأثیر آنها از طریق ارائه طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها و شبکه‌های پشتیبانی ندارد.^{۱۰} طیف آسیب‌هایی که از سیاست نئولیبرال حاصل می‌شود

←10. Paddy Hillyard, and Steve Tombs. "Beyond criminology", *Beyond criminology: Taking harm seriously* 13(2004), 44.

بسیار متنوع و گسترده است. در این پژوهش ما مختصراً فقر، بیکاری و تضعیف نظام بهداشتی را به‌عنوان سه پیامد از میان ده‌ها آسیب ناشی از این رویکرد اقتصادی - سیاسی، مورد بررسی قرار می‌دهیم و در ادامه به ارتباط این پیامدها با افزایش نرخ جرایم می‌پردازیم.

۲-۱ - بیکاری و فقر ناشی از سیاست‌های اقتصادی دولت نئولیبرال:

دولت نئولیبرال به طرق مختلفی از مسیر سیاست‌های اتخاذی خود، شهروندان را در مسیر فقر و بیکاری قرار می‌دهد. فقر و بیکاری در دولت نئولیبرال می‌تواند ناشی از قطع هزینه‌های عمومی، خصوصی‌سازی و یا قواعد بازار آزاد باشد. در ادامه نشان می‌دهیم که چگونه هریک از این اصول بنیادین سیاست نئولیبرال به فقر و بیکاری افراد جامعه منتج شده و این آسیب چگونه بر افزایش نرخ جرایم اثرگذار است.

۲-۱-۱ - قطع هزینه و نفع عمومی:

نئولیبرالیسم به‌عنوان یک رویکرد اقتصادی در راستای پاسخ به بحران مالی «دولت رفاه کینزی» ظهور کرد. بحران کاهش سرعت انباشت سرمایه، افزایش تورم و کسری بودجه ملی در آغاز دهه ۱۹۷۰ دولت‌ها را مجبور به اعمال سیاست‌ها و برنامه‌هایی کرد که هزینه‌های دولت و سیاست‌های پولی آن را کاهش می‌داد.^{۱۱} در این راستا برای پذیرش اجتماعی نئولیبرالیسم، سیاستمداران و کارشناسان اقتصادی با حربه رسانه و شعارهایی از قبیل: «دولت رفاه جیب دولت را خالی می‌کند لذا ما دیگر نمی‌توانیم دولت رفاه را تحمل کنیم»، «اگر اقتصاد خوب کار کند، وضعیت همه بهتر می‌شود» یا «توسعه اقتصادی باعث ایجاد شغل می‌شود» افکار عمومی را به سمت مورد نظر خود جهت‌دهی کردند. ساخت و تداوم کلیشه‌هایی از قبیل سوءاستفاده فقرا از دولت رفاه، تعصبات شدیدی را در افکار عمومی ایجاد کرد و بر اساس این شعار که «همه معمار ثروت (بخت) خود هستند»، فقر در تفکر عموم به‌عنوان بحرانی خودساخته و یک مجازات عادلانه برای عدم تلاش فردی در نظر گرفته شد. در پرتو این شعارها دولت‌ها هیچ‌گونه مسئولیت اجتماعی ندارند، بیکاری گسترده و گرسنگی به‌عنوان عوارض جانبی یک بازار آزاد پذیرفته می‌شود و تنها مسئولیت اجتماعی کارآفرینان مسئولیت سود سهامداران است. این نوع اندیشه منجر به آن می‌شود که افراد بیکار، بی‌خانمان، پناهجویان و غیره به حاشیه رانده شوند و سوءظن از مقصرین واقعی منحرف گردد. نتیجتاً درحالی که بزه‌دیدگان بزهکار می‌شوند، بیکاران، بی‌خانمان‌ها و دریافت‌کنندگان رفاه مسئول جیب خالی عمومی شناخته می‌شوند، فرارهای مالیاتی چندمیلیاردی سیاستمداران و مدیران به بوته فراموشی سپرده شده و حقوق کار و حقوق اجتماعی (حمایت از کارگران اخراج شده، مزایای بیکاری، تداوم حقوق در صورت بیماری) به‌عنوان حفظ اموال عمومی مورد انتقاد قرار می‌گیرند. در این نوع از دولت مفهوم اصلاحات که با برنامه قبلی با هدف دستیابی به عدالت اجتماعی، فرصت‌های بهتر تحصیلی و شبکه تأمین اجتماعی

11. Simon Clarke, "The neoliberal theory of society", Neoliberalism: A critical reader 50(2005), 8.

همراه بود، اکنون مترادف کاهش خدمات اجتماعی قرار می‌گیرد.^{۱۲} این درحالی‌است که دولت‌های رفاه تمایل دارند تلاش بیشتری برای اطمینان از مراقبت‌های بهداشتی، آموزش عمومی، پرداخت‌های بازنشستگی و محافظت از شهروندان خود در برابر عوامل بیرونی (به‌عنوان مثال بیکاری) اقتصاد بازار انجام دهند. آنها همچنین به‌طور فعال به دنبال کاهش نابرابری درآمدی هستند که معمولاً با فقر، سلامت و بزهکاری در میان شهروندان در ارتباط است. توجه به این نکته مهم است که هیچ دولتی نمی‌تواند شرایط نامطلوب را به‌طور کامل از بین ببرد، اما دولت‌های رفاه تمایل دارند تا برای محافظت از شهروندان با فراهم آوردن موانع در برابر این مشکلات اقتصادی و با تأثیرگذاری بر بهزیستی افراد، عملکردی مثبت داشته باشند.^{۱۳} در این خصوص دولت رفاه اساساً سازمان‌دهی کمک‌های اجتماعی و نیز اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی را برعهده دارد.^{۱۴} این برنامه‌ها در جامعه مدرن برحسب پیدایش برخی نیازهای اجتماعی و سیاسی جدید اهمیت پیدا کرده است و انجام آنها اغلب به دلیل پرهزینه بودن و فقدان سود تجاری و در نتیجه عدم علاقه‌مندی سرمایه‌گذاری خصوصی به فعالیت در این زمینه از دولت انتظار می‌رود. در رویکرد کلی تأمین اجتماعی دلالتی کم‌وبیش مشابه به کمک‌های اجتماعی دارد و مراد از آن کلیه سیاست‌های اجتماعی و برنامه‌هایی است که با پرداخت پول و ارائه خدمات و بیمه‌های اجتماعی و تأمین خدمات درمانی رایگان یا کم‌هزینه، مردم را در برابر کاهش یا قطع درآمد حاصل از بیکاری، پیری، بیماری و از کارافتادگی و تأمین معاش افراد خانواده پس از مرگ سرپرست حمایت می‌کند. بنابراین برخلاف دولت نئولیبرال، در دولت رفاه ترتیبات ساختاری و نظام‌مندی وجود دارد که در آن افراد علاوه بر تأمین معاش خود، تأمین نیازهای فرزندان و سالمندان را نیز دنبال می‌کنند. در این نوع از دولت مفهوم نظام رفاهی از رابطه میان مجموعه‌ای از حقوق و وظایف، شکل می‌گیرد.^{۱۵} این نوع از احساس مسئولیت در قبال اشخاص آسیب‌دیده اجتماعی مانع از گسترش پدیده‌هایی همچون فقر و بیکاری و آسیب‌های متعاقب آن می‌شود.

۲-۱-۲- بازار آزاد

تجارت آزاد به معنای آزادی انتقال جهانی کالا، خدمات و سرمایه است. قوانینی که برای حمایت از کارکنان و محیط‌زیست وضع می‌شوند، در نگاه نئولیبرالیسم به‌عنوان موانعی برای سرمایه‌گذاری و محدودیت آزادی برای کارآفرینان در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین این اصل حاکی از مقررات‌زدایی و کاهش قوانینی همچون استانداردهای اجتماعی و زیست‌محیطی است که مانع از تجارت آزاد می‌شوند؛ اما مقررات‌زدایی به معنای چشم‌پوشی کامل از مداخلات دولت نیست. دولت باید به‌عنوان

12. Christian Stark, "The Neoliberal Ideology, Its Contradictions, The Consequences And Challenges For Social Work", *Ljetopis Socijalnog Rada/Annual of Social Work* 25(2018), 195.

13. Adam Okulicz-Kozaryn, Oscar Holmes IV and Derek R. Avery. "The subjective well-being political paradox: Happy welfare states and unhappy liberals", *Journal of Applied Psychology* 99(2014), 2.

۱۴. عدالت‌جو و حسن‌زاده، پیشین.

۱۵. وصالی و امید، پیشین، ۱۹۰.

ابزاری برای منافع اقتصادی خصوصی عمل کند تا شرایط لازم برای تمرکز بازار آزاد بر حمایت از رقابت اقتصادی و استفاده از سرمایه سودآور را تضمین کند.

در واقعیت امر اصطلاح آزادی مطابق با آموزه خاص نئولیبرالیسم، آزادی کارآفرینان برای بهره‌برداری از کارگران، کسب سود گزاف و بدون عملکرد مناسب برای جامعه و استفاده از پیشرفت‌های تکنولوژی صرفاً برای سودآوری و نه برای رفاه جامعه است. در این مفهوم نئولیبرالیسم را می‌توان آزادی «گرگ‌ها» برای تعقیب «مرغ‌های آزاد» در یک باغ نامید.

آنچه اینجا لازم به یادآوری است این است که گرچه نفس بازار آزاد می‌تواند آسیب‌های گسترده‌ای به همراه داشته باشد اما این واقعیت قابل‌انکار نیست که این اصلاح در واقع پوسته‌ظاهری تئوری نئولیبرالیسم را تشکیل می‌دهد؛ اما آنچه در واقعیت رخ می‌دهد این است که واقعیت بازار تحت تأثیر بسیاری از عوامل دیگری از جمله تبلیغات و ایجاد نیازهای مصنوعی یا به اصطلاح منسوخ برنامه‌ریزی شده است که با اندیشه نئولیبرال در خصوص بازار آزاد مغایرت دارد.^{۱۶}

درحالی که تجارت آزاد باعث پیشرفت و رونق پیشرفته‌ترین تولیدکنندگان می‌شود، این امر به کسانی که قادر به رقابت نیستند بحران‌های دوره‌ای را تحمیل می‌کند که در آن تولیدکنندگان کم‌قدرت ورشکسته شده، توده‌های مردم از کار اخراج می‌شوند و تولیدکنندگان کوچک برای نجات خود و دریافت اعتبار به بانکداران مراجعه می‌کنند؛ درحالی که بانک منابع خود را صرف شرکت‌های قدرتمند می‌کند. این درحالی است که از منظر اقتصاددانان سیاسی لیبرال، بحران‌های دوره‌ای و ورشکستگی بخشی از عملکرد سالم بازار است.^{۱۷} علاوه بر موارد مذکور، بازار کار یا تغییر تقاضا باعث از بین رفتن مشاغل، کاهش ارزش مهارت‌ها، کاهش دامنه مشاغل غیررسمی یا محدودیت دسترسی به اعتبار یا بازار و غیره می‌شود. از جنبه‌ای دیگر، بازار آزاد می‌تواند شامل روش‌های ناخوشایندی در تولید کالاها یا (خوداشتغالی) و اشکال تحقیرآمیز کار، مانند کار کودکان یا کار قراردادی، باشد که معمولاً با بهره‌وری کم، درآمد پایین و استانداردهای زندگی نادرست همراه است. در مجموع، گسترش روابط بازار می‌تواند به‌طور هم‌زمان ثروت، فقر و محرومیت اجتماعی را به دنبال داشته باشد.^{۱۸}

غایت «اقتصاد بازار» یک «جامعه بازار» خواهد بود. میان «اقتصاد بازار» و «جامعه بازار» باید تمایز قائل شد. همه جوامع برای تخصیص کالاها و خدمات از مکانیسم‌های بازار استفاده می‌کنند؛ اما «جامعه بازار» در کل یک مقوله متفاوت است. منظور از جامعه بازار، جامعه‌ای است که در آن دستیابی به منافع شخصی، نه صرفاً مکانیسمی که می‌تواند برای تحقق اهداف اقتصادی مقاطع خاص استفاده شود بلکه اصلی برای سازمان‌دهی همه زمینه‌های زندگی اجتماعی قرار می‌گیرد. در یک جامعه بازار، سازمان‌های اجتماعی یا نهادی فرسوده می‌شوند و یا تابعی از سودهای شخصی قرار می‌گیرند. در این جامعه منابع معیشتی، حمایت اجتماعی، ارزش فرهنگی و حتی هویت شخصی

16. Stark, op. cit., 46.

17. Clarke, op. cit., 1.

18. Alfredo Saad Filho, "Social policy beyond neoliberalism: from conditional cash transfers to pro-poor growth" Journal of Poverty Alleviation and International Development 7(2016), 6.

به‌طور فزاینده‌ای تضعیف یا نابود می‌شود به‌طوری‌که افراد، خانواده‌ها و جوامع بیش‌ازپیش به آنچه ما بازار آزاد می‌نامیم وابسته می‌شوند، تا حدی که نه‌تنها پاسخ نیازهای مادی بلکه نیازهای انسانی فرهنگی، روان‌شناختی را نیز با توسل به فرهنگ بازار پاسخ می‌دهند. در چنین جامعه‌ای قدرت اقتصادی و اجتماعی و متعاقب آن فرصت‌های دسترسی به موقعیت‌ها به معنای آدام اسمیتی «آزاد» نبوده بلکه به‌طور نابرابر در بین گروه‌ها توزیع می‌شوند و متعاقب آن تنها برخی از افراد جامعه قادر به محافظت از خود در برابر مزاحمت‌های بازار اقتصادی هستند، درحالی‌که برخی دیگر با سرعتی زیاد در معرض نابودی قرار می‌گیرند.^{۱۹}

۲-۱-۳- خصوصی‌سازی

نئولیبرالیست‌ها همچنین خواستار خصوصی‌سازی گسترده شرکت‌ها و مؤسسات دولتی هستند. این خصوصی‌سازی شامل صنایع کلیدی، راه‌آهن، بزرگراه، برق، آب، بهداشت، سیستم اجتماعی، دادگستری و ... است با این استدلال که به دلیل فشار رقابت، کارایی و عملکرد سرمایه‌گذاران خصوصی بهتر شده و دولت صرفاً مسئولیت ایجاد نظم و امنیت را برعهده دارد.^{۲۰}

اگرچه متفکران نئولیبرال در راستای پیشرفت و توسعه اقتصادی - اجتماعی خواستار خصوصی‌سازی هستند، اما همان‌گونه که چامسکی به زیبایی هسته اصلی این ایده را نمایان می‌کند «سرمایه‌داری به معنای خصوصی‌سازی سود و جامعه‌پذیری هزینه و ریسک است.» در مکتب نئولیبرال خصوصی‌سازی معنای اصلی کلمه لاتین «privare» را که به معنای دزدی است تأیید می‌کند. در این منطق منافع عمومی یعنی آنچه متعلق به همه است، ناگهان به مالکیت معدود افراد تبدیل می‌شود. اگرچه معمولاً خصوصی‌سازی به اسم کارایی بیشتر انجام می‌شود، اما عمدتاً منجر به تمرکز ثروت در دستان تعداد محدودی از افراد شده و آثار مخربی در پی داشته و دارد. نتیجه این است که شرکت‌ها در راستای حداکثرسازی سود و حداقل‌سازی مخارج خود از رعایت استانداردهای کیفیت صرف‌نظر می‌کنند.^{۲۱}

یکی دیگر از این آثار ظهور نابرابری اجتماعی ناشی از ضرورت کار برای تولید سرمایه، نیاز تولیدکننده به خرید کار و نیاز کارگر برای فروش ناشی می‌شود. مردم برای جلوگیری از گرسنگی مجبور به فروش کار خود با هر نرخی هستند. این سبک اقتصاد کم‌کم در تولیدکننده باعث ایجاد حرص و آز و بی‌اعتنایی نسبت به زیردستانی می‌گردد که صرفاً به‌عنوان ماشین‌های سودآوری تلقی می‌شوند و در طبقات زحمتکش احساس عدم‌امنیت و بی‌مهری ایجاد می‌کند؛ چراکه همیشه مازاد نیروی کار به‌عنوان یک عنصر تهدیدکننده فرد را مجبور به رفتار مطابق انتظارات دولت می‌کند. لذا درحالی‌که چنین سیاست‌هایی ممکن است با انگیختن شرکت‌ها در کاهش هزینه‌های خود به رشد

19. Elliott Currie, "Crime and market society: Lessons from the United States" In *The new criminology revisited* (London: Palgrave Macmillan, 1998), 134.

20. Stark, op. cit., 44.

21. Stark, op. cit., 47-51.

اقتصادی کمک کنند، ممکن است تأثیر نامطلوبی بر احترام به خود و ادغام اجتماعی افرادی که در مراتب پایین درآمدی قرار دارند، داشته باشد. از آنجایی که دستمزد کافی نقش مهمی در دستیابی به ارزش و خودباوری دارد، درآمد پایین در این فرایند برای افرادی که تحصیلات کمتری دارند می‌تواند منجر به تحقیر و کاهش ارزش‌های فردی شود.^{۲۲}

۲-۲- آسیب‌های مرتبط با حوزه بهداشت و درمان

همان‌طور که در ویژگی‌های دولت نئولیبرال ذکر شد این دولت سعی در دخالت حداقلی در امور مرتبط با تأمین اجتماعی و کاهش یا قطع هزینه‌های مرتبط با این قبیل امور را دارد. این روند منجر به اتخاذ سیاست‌هایی شده که بر بهداشت آسیب گسترده‌ای وارد نموده است از جمله این آسیب‌ها: کاهش میزان اشتغال در بخش بهداشت، کاهش تخت‌های بیمارستان‌ها، تعطیلی مراکز درمانی محلی، افزایش هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و داروها، کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و تجهیزات، خصوصی‌سازی بخش‌های مختلف بهداشتی، کاهش سرمایه‌گذاری توسط بخش دولتی در تحقیقات و توسعه تبلیغات به سود منافع گروه‌های بزرگ دارویی خصوصی و ... است.

بدیهی است، سیاست‌های مدرن در حوزه مراقبت‌های بهداشتی در کشورهای نئولیبرال به بازار هدایت می‌شوند و شرکت‌های خصوصی را ترغیب به تولی این حوزه‌ها می‌نماید. متأسفانه این پدیده، از نیاز به بهبود زندگی گروه‌های با حداقل درآمد که توانایی کمتری جهت رقابت در یک جامعه سرمایه‌داری جهت حفظ سلامت خود را دارند، غافل است. در جامعه‌ای که بیش‌ازحد به کسب ثروت علاقه دارد و جایی که پول و مصرف‌گرایی مساوی با استقلال و قدرت است، برچسب «مصرف‌کننده سلامتی» نسبت به گروهی که قدرت مالی هزینه در این قسمت را ندارند، تبعیض قائل می‌شود.^{۲۳} سلامت در دولت‌های رفاه، به‌گونه متفاوتی با دولت‌های لیبرال مورد توجه قرار می‌گیرد. در قرن بیست و یکم، سلامت نه‌تنها یک متغیر محوری برای تأمین مالی عمومی بلکه یک بخش اساسی از اقتصاد جهانی و ملی را به خود اختصاص می‌دهد و به بهره‌وری نیروی کار و عملکرد اقتصادی در سایر بخش‌ها نیز کمک می‌کند. در بسیاری از کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^{۲۴}، بخش بهداشتی به‌طور متوسط ۱۰٪ از تولید ناخالص ملی و ۱۰٪ نیروی کار را به خود اختصاص داده و به ثبات اقتصادی کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در دوره رکود اقتصادی کمک کرده است. به‌عنوان مثال، در آلمان، سلامت دومین صنعت بزرگ، (بزرگ‌تر از صنعت خودرو) است. اهمیت سلامت از نظر نوآوری و بهره‌وری باعث شد دولت آلمان در وزارت اقتصاد و فناوری فدرال یک بخش مسئول در صنعت مراقبت‌های بهداشتی ایجاد کند. هدف از ایجاد این بخش درک بهتر ابعاد اقتصادی فعالیت‌های بهداشتی و ارزش‌گذاری بهداشت فراتر از فعالیت‌های بازار بود تا ارزش

22. Mark Horsley, "Capitalism and crime: the criminogenic potential of the free market", Internet Journal of Criminology (2010), 9-12.

23. Horton, op. cit., 6.

24. The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

زمانی را که اعضای خانواده‌ها روی سلامتی خود و سلامتی دیگران سرمایه‌گذاری می‌کنند، افزایش دهد.^{۲۵}

۲-۳- تأثیر آسیب‌های ناشی از سیاست‌های دولت نئولیبرال بر بزهکاری

نئولیبرال‌ها با تأکید بر آزادی منفی (رهایی از موانع) و عدم توجه به آزادی مثبت (وجود امکانات) هر نوع دخالت دولت در اقتصاد را نهي می‌کنند و ضمن تقدیس آزادی مطلق در حوزه اقتصاد، هیچ مسئولیتی برای دولت در رفع فقر و تأمین حداقل امکانات اقتصادی برای عامه قائل نیستند. در اندیشه نئولیبرالیستی، بی‌خانمان‌ها، حاشیه‌نشینان و مستمندان هم‌عرض مجرمان و چه‌بسا مصداق بارز آنان به حساب می‌آیند. نئولیبرال‌ها با تأکید افراطی بر ویژگی‌های فردی و مسئولیت شخصی، آگاهانه تأثیر ساختارهای اقتصادی بر وقوع جرم را نادیده می‌گیرند و بر همین اساس است که در اندیشه آنها فقرا خود مسئول نابسامانی زندگی خود به حساب می‌آیند. فردگرایی و نابرابری جوامع نئولیبرال ممکن است همبستگی اجتماعی را کاهش دهد، از خودبستگی ایجاد کند و اشخاص و گروه‌های بسیاری را به حاشیه براند.^{۲۶} از این منظر، فردگرایی مورد نظر نئولیبرالیسم، به نوعی مسئول‌سازی فردی می‌انجامد که هر فرد را به عنوان یک فاعل محاسبه‌گر، مسئول مشکلات خود می‌داند. پس مشکلی مثل بیکاری، از یک مسئله اجتماعی به یک مسئله فردی تبدیل می‌شود و در عوض کمک و اشتغال‌زایی برای افراد بیکار به کنترل آنان می‌پردازد. لذا فقر، تحقیر و احساس بی‌ارزشی ناشی از آن و بیکاری ناشی از انواع سیاست‌های دولت نئولیبرال در کنار گسست اجتماعی، تمرکز بر واژه «خود» و شکست پیوند اجتماعی از جمله علل بروز جرایم در این جوامع است. در ادامه به منطق این پیوند خواهیم پرداخت.

این مسئله که انواع خاصی از سرمایه‌داری ممکن است افراد را تحت تأثیر رفتار انحرافی قرار دهد، همواره مورد بحث و تحقیق پژوهشگران قرار داشته است. از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم (عصر لیبرالیسم کلاسیک) نظریه‌پردازان حوزه جرم‌شناسی تا حدی به برخی از آسیب‌های ناشی از سرمایه‌داری پرداخته و به نحوی سعی در تبیین پیوند میان اشکال مختلف اقتصاد صنعتی با علل بروز جرم داشته‌اند. در این راستا می‌توان از مکتب شیکاگو^{۲۷} یا نظریه بی‌هنجاری^{۲۸} دور کیم^{۲۹} نام برد. پدیده اقتصاد صنعتی امروزه در کلیه جوامع رو به رشد و پیشرفت است اما آنچه جوامع را از یکدیگر متمایز ساخته نحوه سیاست‌گذاری اقتصادی است که می‌تواند میان دو نقطه بازار محوری یا رفاه محوری در گردش باشند. همان‌گونه که مطرح کردیم اقتصاد مبتنی بر بازار با خصوصیتی که دارد آسیب‌های

25. Iiona Kickbusch and David Gleicher, Governance for health in: the 21st century, World Health Organization (Switzerland: word health organization, Regional Office for Europe, 2012.), 6.

۲۶. مرتضی عارفی و دیگران، «بسترهای مداخله کیفی در حوزه فقر، از سیاست جنگ با فقر تا سیاست جنگ با فقرا»

پژوهش حقوق کیفری ۲۶ (۱۳۹۸)، ۶، ۱۸.

27. Chicago School

28. Anomie

29. David Émile Durkheim

اجتماعی متفاوتی نیز بر مردم بار می‌کند. ما در این پژوهش با اتکا بر چند نظریه جرم‌شناسی آسیب‌های کنونی جوامع نئولیبرال را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یکی از نظریاتی که با آن می‌توان نرخ جرایم را در جوامع نئولیبرال مورد بررسی قرار داد نظریه کنترل اجتماعی هیرشی است. مطابق نظریه تراویس هیرشی^{۳۰} «اعمال بزهکارانه هنگامی شکل می‌گیرد که پیوند فرد به جامعه ضعیف یا شکسته شود» بنابراین فقدان «پیوند مؤثر» (بین افراد با افراد و افراد با دولت) تا حدودی می‌تواند میزان نسبتاً بالای جرم را توضیح دهد که برای کشورهای نئولیبرال معمول است.^{۳۱} در ادامه این گسست پیوند اجتماعی را در جوامع اقتصاد بازار مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

پروفسور کوری^{۳۲} جرم‌شناسی که در حوزه روابط میان سرمایه‌داری و بازار آزاد و گستره جرایم به‌ویژه در کشور آمریکا تحقیقات گسترده‌ای داشته است، این‌گونه استدلال می‌کند که فرایندهای مرتبط با جهانی‌شدن نئولیبرالیسم، میزان جرایم خشونت‌آمیز را در جهان افزایش داده و باعث افزایش احساس عدم‌امنیت شده است. به‌این ترتیب او هفت مکانیسم منتج به جرایم را در جوامع نئولیبرال چنین مشخص می‌کند:

- ۱- نابودی معیشت
- ۲- رشد نابرابری اقتصادی و محرومیت مادی
- ۳- خروج از خدمات عمومی و حمایتی به‌ویژه برای خانواده‌ها و کودکان
- ۴- کاهش شبکه‌های غیررسمی و جمعی حمایت و نظارت
- ۵- گسترش مادی‌گرایی، نادیده گرفتن فرهنگ جمعی
- ۶- بازاریابی کنترل نشده فناوری‌های خشونت‌آمیز
- ۷- تضعیف جایگزین‌های سیاسی و اجتماعی^{۳۳}

در نتیجه پژوهش‌هایی که جرم‌شناسانی همچون کوری انجام داده‌اند، جامعه بازار در بلندمدت معیشت پایدار را از دست داده و در نتیجه آن میزان بسیار زیادی از جابه‌جایی جغرافیایی به وقوع می‌پیوندد. به‌عنوان مثال این مسئله در ایالات‌متحده آمریکا با کاهش دستمزد و افزایش هزینه‌های مسکن قابل مشاهده است. از دست دادن ثبات پناهگاه به‌نوبه خود به از بین رفتن پایه انسجام اجتماعی محلی کمک می‌کند. جوامع محلی که از چنین فشارهایی رنج می‌برند، پدیده‌ای را آغاز می‌کنند که برخی از محققان آن را «تخلیه» می‌نامند - از آنجاکه توانایی خانوادها برای حمایت از خود و مراقبت از فرزندان‌شان در نقطه‌ای بحرانی قرار می‌گیرد مجبور به نقل مکان می‌شوند لذا دیگر نمی‌توانند آن شبکه‌های غیررسمی حمایت اجتماعی را حفظ کنند. از سویی دیگر نیروهای بازار با تأثیر بر

30. Travis Hirschi

31. Horsley, op. cit., 13.

32. Elliott Currie

33. Jarrett Blaustein, Pino Nathan W and Graham Ellison, "Crime and development in the Global South" In The Palgrave Handbook of Criminology and the Global South (Cham: Palgrave Macmillan, 2018), 215.

ثبات جامعه فشار خانواده‌ها را بیشتر می‌کند؛ بدین‌گونه که سابقاً خانواده‌هایی که با شرایط نامساعد اقتصادی روبه‌رو بودند می‌توانستند برای کمک به سایر خویشاوندان خود مراجعه کنند؛ والدین که به دلیل کار بیش از حد تحت فشار قرار می‌گرفتند، می‌توانستند برای کمک جهت مراقبت از فرزندان خود به شبکه‌های غیررسمی اقوام و دوستان مراجعه کنند؛ با پیشرفت جامعه بازار، خانواده‌ها به‌طور فزاینده‌ای از این ارتباطات غیررسمی جدا می‌شوند و مجبورند به‌تنهایی با ناپایداری و محرومیت‌های اقتصاد بازار مبارزه کنند. چنین «فقیرسازی اجتماعی» ناشی از محرومیت اقتصادی و ایجاد فشارهای شدید همواره با جرایم خشونت‌آمیز پشت درهای بسته از جمله خشونت خانگی و کودک‌آزاری همراه می‌شود.

به‌علاوه وخیم شدن بازار کار و کاهش درآمد به این معنی است که تعداد زیادی از خانواده‌ها، به‌ویژه خانواده‌های جوان، تنها در صورت اتخاذ دو یا حتی سه شغل می‌توانند از یک زیست حداقلی برخوردار باشند؛ لذا اعضای خانواده مجبورند سخت‌تر و طولانی‌تر از سابق کار کنند و بیشتر اوقات خود را خارج از خانه و اجتماع سپری کنند. نتیجه این است که ظرفیت‌های معاشرت و پرورش در بسیاری از خانواده‌ها تضعیف می‌شود و کودکان غالباً به‌دنبال گروه‌های همسالان خود برای راهنمایی، حمایت و نظارت هستند. برخی از جرم‌شناسان محافظه‌کار به آثار حضور اطفال و نوجوانان در گروه‌های همسال ناپهنجار بر بزهکاری آینده تأکید دارند درحالی‌که از علل مهم ظهور چنین پدیده‌ای غافل‌اند.^{۳۴}

راهی که افراد خود را در جوامع پساصنعتی تعریف می‌کنند ممکن است از طریق شناسایی خود و با عضویت در گروه‌های اجتماعی یا همبستگی با هم‌وطنان نباشد بلکه با اتخاذ آرمان‌های مصرف‌کننده «برتر» از «رؤیای آمریکایی»^{۳۵} باشد که در آن «خود» از توانایی افراد برای نمایش فرهنگ مصرف‌گرایی اتخاذ می‌شود. این ایده به‌طور بالقوه جایگزین هرگونه جامعه‌پذیری می‌شود و در راستای آن ممکن است افراد هر کاری از جمله توسل به جرم را برای تحقق رؤیاهای دست‌نیافتنی خود به‌کارگیرند.

جرم‌شناسی مارکسیستی از دیگر نگرش‌هایی است که به اهمیت دو متغیر قدرت و نابرابری اجتماعی در ساخت و معنای پدیده بزهکاری اذعان دارد. نظریه مارکسیستی بر آن است که برخلاف دیدگاه‌های لیبرال، دولت و کارگزاران آن نهادهای بی‌طرف نیستند بلکه سیاست‌های اقتصادی و نظامی نشان می‌دهد که دولت از بی‌طرفی و انصاف دور است.^{۳۶} بنابراین علت جرم را در ساختار روابط طبقاتی نابرابری می‌یابد که در درون جامعه وجود دارد.

یکی دیگر از نظریاتی که با آن می‌توان به تحلیل تئولیبالیسم پرداخت نظریه فشار^{۳۷} است. نقطه شروع نظریه فشار این تصور است که جرم اصولاً پدیده‌ای اجتماعی است. این نکته بدین معناست

34. Currie, op. cit., 148-150.

35. American Dream

۳۶. راب وایت و فیونا هینز، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی (تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴)، ۲۱۶.

37. Strain Theory

که جرم به‌نوعی با فرایندها و ساختارهای فراگیر اجتماعی مرتبط است و این فرایندها و ساختارها، آن عمل را شکل می‌دهد؛^{۳۸} لذا موجبات شکل‌گیری جرم را باید درون اجتماع جست. فشار در ساده‌ترین بیان خود این‌گونه تحلیل می‌کند که درجایی که بین انتظارات فرد از نظر ثروت شخصی، امنیت و شانس زندگی و واقعیت عدم‌انطباق وجود داشته باشد ممکن است انحراف ایجاد شود. سؤال کلیدی که نظریه فشار مطرح می‌کند این است که درحالی که فرهنگ جامعه به بسیاری از جوانان این ایده را می‌دهد که می‌توانند ثروتمند و مشهور باشند، چه واکنشی خواهند داشت هنگامی که متوجه شوند با وسایل قانونی نمی‌توانند به این اهداف دست یابند؟^{۳۹}

بیکاری و فقر شامل مجموعه‌ای از تجارب مختلف اجتماعی است که با معانی متفاوت انگیزه‌ای برای ارتکاب دسته‌ای از جرایم است.^{۴۰} بیکاری متغیری است که نماینده فقدان فرصت‌های قانونی برای کسب درآمد است. وقتی فرد بیکار می‌شود، بازدهی ناشی از فعالیت‌های قانونی کمتر از قبل شده و انگیزه و احتمال ورود وی را به فعالیت‌های مجرمانه افزایش می‌دهد. در وضعیت بد اقتصادی حتی افراد شاغل نیز فرصت‌های قانونی کمتری برای کسب درآمد پیدا می‌کنند.^{۴۱} نتایج تجربی به‌دست‌آمده در ایران نیز نشان می‌دهد که با افزایش نرخ بیکاری، پرونده‌های مربوط به اختلاس، ارتشاء و جرایمی از این دست افزایش یافته است.^{۴۲} در درازمدت تأثیر هم‌زمان و مضاعف افزایش تورم و بیکاری باعث می‌شود که افراد برای رسیدن به اهداف خاص، از جمله ثروت فشارهای بیشتری را تحمل کنند و قدرت جامعه در کنترل و منظم کردن افراد روبه‌زوال برود، بنابراین دستیابی افراد به فرصت‌های قانونی برای کار و ثروت کاهش یافته و انگیزه ارتکاب جرایم افزایش یابد.^{۴۳}

در جامعه نئولیبرال که پول همه‌چیز است، نابرابری درآمد منجر به نابرابری اجتماعی می‌شود و راه رسیدن به اهدافی چون ثروت برای عده کثیری بسته می‌ماند. به‌عنوان مثال یکی از اصلی‌ترین وسیله‌های دسترسی به اهداف و تحرک اجتماعی آموزش و پرورش است، اما فقدان حمایت مناسب از قشر آسیب‌پذیر منجر به آن می‌گردد که افرادی که درآمد کم دارند، نتوانند فرزندان خود را به دانشگاه بفرستند و لذا تحصیلات به‌عنوان یک وسیله نمی‌تواند آنها را از طبقه پایین جامعه دور کند. در مقابل، افراد با درآمد بالا به آموزش عالی دست می‌یابند و بدین ترتیب چنگال خود را در قسمت‌های فوقانی جامعه محکم می‌کنند.^{۴۴} این پدیده مطابق با نظر هوارد بکر^{۴۵} است که مدعی بود در جامعه حرکتی دائمی به سمت بالا و پایین نردبان قدرت وجود ندارد. برعکس، ترکیب افرادی که

۳۸. وایت و هینز، پیشین، ۱۴۱-۱۴۲.

39. Horsley, op. cit., 6.

40. Robert Reiner, "Neoliberalism, crime and justice", Social justice and criminal justice (2007), 14.

41. Gary S Becker, "Crime and Punishment: An Economic Approach"; in The Economic Dimensions of Crime (London: Palgrave Macmillan, 1968), 30.

۴۲. منوچهر مصطفی پور، «بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راه‌های پیشگیری از آن»، *مجله اقتصادی* ۳ و ۴ (۱۳۹۵)، ۶۸.

۴۳. علی حسین صمدی، «تورم، بیکاری و جرایم اقتصادی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی* ۵۱ (۱۳۹۲)، ۱۸۹.

44. Horsley, op. cit., 12.

45. Howard S. Becker

در پایین این نردبان قرار دارند همواره ترکیب یکسانی است. ترکیبی که به نظر او همواره با حضور فقیران، سیاه‌پوستان و قشرهای محروم شکل می‌گیرد. از دیدگاه وی راه‌حل مشکل، یاری‌رساندن به محرومان یعنی افرادی است که برنامه‌های مدیریت، راه را بر ورود آنان به فرایند کسب ثروت در درون جامعه بسته است.^{۴۶}

ایالات متحده آمریکا شاید کشوری باشد که به بهترین نحو ممکن می‌تواند برخی از نکات مطرح شده در مورد نئولیبرالیسم و ارتباط آن با نرخ جرایم را به تصویر کشد.

هرساله ایالات متحده آمریکا تقریباً ۲۴ میلیون جرم در سال ثبت می‌کند (جمعیت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر ۳۲۸ میلیون نفر است). این نرخ مشابه با میزان جرایم در انگلستان است. در سال ۲۰۲۱، متوسط نرخ جرایم در ایالات متحده به ۴۷,۷۴ در ۱۰۰,۰۰۰ نفر رسیده است که این رقم در انگلستان معادل ۴۵ در ۱۰۰,۰۰۰ نفر بوده که در قیاس با ۲۱,۳۵ در سوئیس، ۲۷ در فنلاند و ۲۶ در دانمارک قابل توجه است. آنچه جالب توجه است نرخ پایین جرایم در کشورهای عربی ولیکن رفاه‌گرایی حوزه خاورمیانه است. در این راستا می‌توان نگاهی به آمار امارات متحده عربی با شاخص ۱۵,۳۵ در ۱۰۰,۰۰۰ نفر و قطر با ۱۲,۲۹ در ۱۰۰,۰۰۰ نفر داشت.^{۴۷} آنچه در این آمار هویداست ارتباط نوع سیاست اقتصادی با نرخ جرایم است. همان‌طور که در بالا ذکر شد، سیاست نئولیبرال منجر به تمرکز ثروت در دست چند درصد بالای جمعیت و نابرابری اجتماعی می‌شود. از دهه ۱۹۸۰ در آمریکا نابرابری حقوق و دستمزد کسانی که در رأس جامعه آمریکا قرار دارند، رشد گسترده‌ای داشته است. در طی همین مدت درآمد متوسط خانوار کاهش یافت و باعث ایجاد اختلاف شد و چندین دهه کاهش مالیاتی پی‌درپی ایجاد شد که باعث شد توزیع ثروت به نفع فقرا صورت نگیرد. به‌طور متوسط در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰، ۵۰٪ از خانوارهایی که در سطح پایینی دهک قرار دارند تقریباً ۱۶٪ و ۱۰٪ بالای جامعه حدوداً ۷۰٪ سرمایه خالص را به خود اختصاص داده‌اند.^{۴۸}

بنابراین به نظر می‌رسد در عین اینکه ایالات متحده جامعه‌ای نابرابر است تحرک بین طبقه‌ای نیز تقریباً غیرممکن است. در واقعیت آمار نشان می‌دهد انگلیس و ایالات متحده کمترین تحرک بین نسلی را در میان کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی دارند.

در اینجا باید خاطر نشان کنیم که گرچه فقر همه‌جا وجود دارد لیکن اقدامات رفاهی که در برخی از کشورهای اروپایی جریان دارد همچنان تلاش می‌کند که حدی از انسجام اجتماعی را برای قشر پایین جامعه حفظ کند. کشورهایمانند فنلاند و سوئد حداقل دستمزد بالایی دارند که نه تنها به کسانی که در پایین سلسله‌مراتب اجتماعی قرار دارند اجازه می‌دهد کیفیت زندگی مناسب داشته باشند بلکه منبع احترام به خود و سرمایه‌گذاری شخصی در ساختارهای اجتماعی را فراهم می‌آورد. یک

۴۶. وایت و هینز، پیشین، ۲۱۴.

47. "Crime Rate By Country 2021", last modified march 2021, <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/crime-rate-by-country>.

48. "Distributional Financial Accounts", last modified June 21, 2021, <https://www.federalreserve.gov/releases/z1/dataviz/dfa/distribute/table/>.

کشور رفاهی قدرتمند حتی پیوند فقیرترین عضو را با ساختارهای اجتماعی حفظ می‌کند و به تضمین مقدار مشخصی از سرمایه‌گذاری شخصی در ادامه آن کمک می‌کند. به نظر می‌رسد که این مسئله در تأمین ثبات اجتماعی و جامعه‌ای نسبتاً بدون جرم از اهمیت برخوردار است.^{۴۹}

۳- تأثیر ویروس کرونا بر تشدید آسیب‌ها

یک ارتباط دوسویه و تنگاتنگ بین بیماری‌های واگیر و عفونی و اشکال مختلف حاشیه‌نشینی اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. مجموعه‌ای از مطالعات نشان می‌دهد جنسیت، قومیت و طبقه اجتماعی - اقتصادی با میزان ابتلا به بیماری مرتبط است.^{۵۰} و درمقابل نیز شیوع بیماری‌های عفونی بر فقر اقتصادی اثرگذار است. توانایی متفاوت گروه‌های اجتماعی برای محافظت از خود در بحران این بیماری همه‌گیر گواه بر این نکته است که تا حد زیادی شیوع ویروس در طبقات پایین اجتماعی گسترده‌تر است.

در برآورد بیکاری مرتبط با کووید ۱۹ بانک فدرال رزرو آمریکا^{۵۱} تخمین زده است که نرخ بیکاری ناشی از کرونا ممکن است به ۳۲٪ برسد. گرچه بیش از یک دهه است که صحبت از بیکاری ناشی از فناوری است لیکن تحت تأثیر کووید ۱۹، شرکت‌های تأثیرگذار در ارائه سیستم‌های تولید هوشمند و کاملاً خودمختار، بدون احتیاج به نیروی کار و حمل‌ونقل کاملاً باالگیزه‌تر از همیشه هستند؛ بیشتر صنایعی که از تحرک بین‌المللی تغذیه می‌کردند همچون جهانگردی و هتل‌داری با رکود تاریخی مواجه شده‌اند؛ سیستم‌های بهداشت عمومی به سرعت به نهایت ظرفیت خود رسیده‌اند و برخی از داروها و تجهیزات بیمارستان افزایش قیمت داشته و اکنون با هزینه‌های بی‌سابقه‌ای برای سلامتی روبه‌رو هستند؛ کارخانه‌ها بسته و ساخت‌وسازها متوقف شده است. همه پیامدها به اخراج‌های بیشتر می‌افزاید.

اغلب کارشناسان موافق هستند که تغییر تکنونیک^{۵۲} و فاجعه اقتصادی جهانی، قابل‌قیاس با هیچ دوره‌ای از زیست مدرن نیست لیکن هیچ توافقی درباره‌ی مواجهه و درمان آسیب‌های اقتصادی درازمدت آن وجود ندارد. آیا می‌توانیم اقتصاد را برای جلوگیری از علائم ویروسی در بازارهای مالی بی‌ثبات و بیکاری گسترده، واکنش کنیم؟

کووید ۱۹ یک فاجعه اقتصادی جهانی است؛ گرچه قبل از آن هم بسیاری از مشاغل و افراد در اقتصاد نئولیبرال با اندک اندوخته و یا پس‌انداز شخصی به‌سختی در حال گذران زندگی بودند

49. Horsley, op. cit., 13-19.

50. Sandy Smith-Nonini. "Neoliberal infections and the politics of health: Resurgent tuberculosis epidemics" in New York City and Lima, Peru. Hahn RA, Inborn M. Anthropology and Public Health: Bridging Differences in Culture and Society. Oxford Scholarship Online (2009).p4.

51. Federal Reserve Bank of Chicago

52. Tectonic.

زمین ساخت یا تکنونیک، شاخه‌ای از زمین‌شناسی است که به تغییرات پوسته زمین و رخدادهای ناشی از آن همچون زلزله می‌پردازد. این اصطلاح در برخی متون به تغییرات گسترده اقلیمی اشاره دارد.

اما ویروس شتاب رسیدن به غایت آسیب‌زایی سرمایه‌داری را بیشتر کرده است. قطع غیرمنتظره فعالیت‌های اقتصادی در سراسر کشور با کاهش تولید ناخالص داخلی همراه می‌شود و منجر به آن می‌شود که کارگران شغل خود را از دست بدهند، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی تعدیل نیرو کنند، سرمایه‌گذاری را کاهش دهند و نتیجتاً یک هراس جهانی ایجاد شود.^{۵۳}

برآوردهای سازمان بین‌المللی کار این است که بین ۹ تا ۳۵ میلیون فقیر جدید (در خط فقر بالاتر از بانک جهانی ۳,۲۰ دلار در روز) در کشورهای درحال توسعه در سال ۲۰۲۰ وجود خواهد داشت. این اشخاص عمدتاً در کشورهای درحال توسعه با درآمد متوسط زندگی می‌کنند. کاهش نرخ تولید (تولید ناخالص داخلی) از ۱ درصد باعث افزایش فقر (در پایین خط فقر بانک جهانی ۱,۹۰ دلار در روز) بین ۱۴ تا ۲۲ میلیون نفر می‌شود. بیشتر این آمار (دوسوم) ساکنان روستایی هستند؛ و بیشترین تأثیر آن در مناطق جنوب صحرای آفریقا خواهد بود که نیمی از فقیران جدید در آن زندگی می‌کنند.

نتیجه بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ می‌تواند منجر به افزایش میزان فقر مبتنی بر درآمد برای اولین بار پس از سال ۱۹۹۰ شود. در سطح جهانی، تأثیر بالقوه کووید ۱۹ یک چالش واقعی برای هدف توسعه پایدار سازمان ملل در پایان دادن به فقر تا سال ۲۰۳۰ به‌شمار می‌رود. در مناطقی مانند خاورمیانه و شمال آفریقا، اثرات منفی می‌تواند منجر به سطح عظیمی از فقر مانند آنچه در ۳۰ سال پیش در سال ۱۹۹۰ روی داد، شود. برای خط فقر بالاتر ۵,۵ دلار در روز، اکثریت (حدود ۴۰ درصد) از افراد فقیر جدید در شرق آسیا و اقیانوس آرام، تقریباً یک‌سوم در جنوب آسیا و حدود ۱۰ درصد در خاورمیانه و شمال آفریقا و آمریکای لاتین و کارائیب ساکن‌اند.

تصور کامل جهان پس از گذار از شوک کرونا غیرممکن است. بر اساس اعلام سازمان بین‌المللی کار، ۱,۲۵ میلیارد نفر از کار بیکار هستند؛ اما نگران‌کننده‌ترین مسئله این است که ۲,۷ میلیارد نفر یا ۸۱٪ نیروی کار جهانی تحت تأثیر «بسته شدن کامل یا جزئی محل کار» قرار گرفته‌اند. شرکت‌های سرمایه‌داری در تلاش‌اند تا از این بحران برای تغییر شکل نحوه تولید، حمل‌ونقل و فروش کالاها استفاده کنند. سرمایه‌داری با بسترهای نرم‌افزاری و خرده‌فروشی از طریق وبسایت‌ها در طول این بحران گسترش یافته است و پایه و اساس تمرکز بیشتر تجارت و انباشت سرمایه خواهد بود. به‌عنوان مثال شرکت‌هایی مانند آمازون مشاغل کوچک‌تر را از بین می‌برند و فعالیت‌های اقتصادی بیشتر و بیشتر در چنگال شرکت بزرگ قرار می‌گیرد.

درحالی‌که تأثیرات همه‌گیر کووید ۱۹ را می‌توان در کل دنیا مشاهده کرد لیکن شدت آن بستگی به میزان پایداری بیماری و واکنش دولت‌های ملی و جامعه بین‌المللی بستگی دارد. واکنش سیاستی که دولت‌ها در این عرصه به نمایش می‌گذارند از اهمیت بسیاری برخوردار هست.^{۵۴}

در صورت تعمیق نابرابری اجتماعی و همچنین توسعه فرهنگ مصرفی‌گرایی این امکان وجود

53. Michael A. Peters. "The disorder of things: Quarantine unemployment, the decline of neoliberalism, and the Covid-19 lockdown crash" *Educational Philosophy and Theory* 52(2020), 2.

54. Andy Sumner, Chris Hoy, and Eduardo Ortiz-Juarez, "Estimates of the Impact of COVID-19 on Global Poverty", *UNU-WIDER* 43(2020), 3,8.

دارد که برخی از افراد برای تحقق انتظارات غیرواقعی نتوانند خود را «کنترل» کنند. اتخاذ قوانین بدون در جامعه پسا صنعتی ممکن است تا حدی منجر به کاهش میزان جرایم گردد اما برای کسانی که از سیاست‌های اقتصادی فعلی محروم‌اند همان کسانی که در مناطقی زندگی می‌کنند که شغلی وجود ندارد و راهی برای تحقق خواسته‌های خود ندارند، چه دلیلی برای رعایت قانون باقی‌مانده است؟ در حقیقت، بسیاری از ویژگی‌های اقتصاد سیاسی کنونی «مانند تأکید بر خود و تضعیف هویت جمعی» ممکن است تأثیر زیان‌باری بر انسجام، کنترل اجتماعی و بر میزان جرایم کشورهای نئولیبرال داشته باشد.^{۵۵}

در این صورت تمایل به استفاده از طرق غیرقانونی برای جبران کسری درآمد قوت می‌گیرد. ضمن اینکه افزایش بیکاری به دنبال آن کاهش قدرت خرید موجب ایجاد نارضایتی و فشار بر افراد می‌شود؛ و یکی از راه‌های برون‌رفت از فشار، ارتکاب جرایم است و هرچه فشار بیشتر باشد کفه ترازوی ارتکاب جرم سنگین‌تر است.

پیامدهای ناشی از ویروس کووید ۱۹ کشورهای نئولیبرال همچون آمریکا را در یکی از وخیم‌ترین بحران‌های اقتصادی قرار داده است، بحرانی که آثار آن صرفاً دامن اجتماع را نخواهد گرفت بلکه اقتصاد سرمایه‌داری را نیز به زمین خواهد نشانید. به همین دلایل است که همین دولت‌ها امروزه در شرایط پیچیده اپیدمی کووید ۱۹ تصمیم به انحراف از مسیر اصول خشک نئولیبرالیسم داشته و با انعطافی بی‌سابقه سعی در گسترش تدابیر حمایتی برای شهروندان خود داشته‌اند. در این راستا کنگره و دولت آمریکا با توافقی بی‌سابقه بودجه‌ای کلان جهت حمایت از افراد و بنگاه‌های آسیب‌دیده، حمایت از کودکان، تقویت بنیه مالی نظام پزشکی و بیمه بیکاری را اختصاص داده است.^{۵۶}

به موازات آن نیز کشور انگلستان به‌عنوان نمادی دیگر از دولت‌های نئولیبرالیسم در اقدامی بی‌سابقه بودجه‌ای کلان جهت پرداخت به اشخاصی که مشاغل خود را در بحران کرونا از دست داده‌اند تصویب کرد و در کنار آن نیز برای بنگاه‌های کوچک که مجبور به تعدیل نیرو شده و در آستانه ورشکستگی قرار دارند اعتبار مالی قائل شد.^{۵۷} چنین انحرافات از معیارهای خشک و آسیب‌زای نئولیبرالیسم آن هم از جانب کشورهایی که خود چنین اصولی را بنا نهاده‌اند بیش‌ازپیش ما را نسبت به موفقیت چنین رویکردی به شک و اطمینان می‌داند.

نتیجه‌گیری:

در شرایط بحرانی شیوع بیماری کووید ۱۹، دولت‌ها نقشی اساسی در کنترل بحران اقتصادی و

55. Horsley, op. cit., 12.

۵۶. برای مطالعه بیشتر نک:

“Government and institution measures in response to COVID-19”, last modified October 28, 2020. <https://home.kpmg/xx/en/home/insights/2020/04/united-states-of-america-government-and-institution-measures-in-response-to-covid.html>.

57. See: HM Government, “Our Plan to Rebuild: The UK Government’s COVID-19 recovery strategy” (2020).

هماهنگی و انسجام ارگان‌های جامعه جهت عبور از آسیب‌های بسزای آن از جمله فقر، بیکاری و بزهکاری دارند. در این راستا دولت‌ها در مواجهه با چنین بحرانی رویکردهای متفاوتی داشته‌اند. در میان انواعی از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی - اجتماعی، رویکرد نئولیبرالیسم با اتکا بر اصولی همچون آزادسازی اقتصاد و خصوصی‌سازی موجب تضعیف افشاری از جامعه در برابر انواعی از فجایع طبیعی و غیرطبیعی می‌شود و با کاهش هزینه‌های عمومی و بی‌توجهی به عرصه سلامت، بهداشت و آسیب‌های آتی ناشی از بیکاری و فقر خود را متکفل تأمین نیازمندی‌های افراد نمی‌داند و این افشار را در معرض بی‌پناهی مضاعف قرار می‌دهد. نتیجه چنین رویکردی افزون شدن میزان آسیب‌پذیری بخشی از جامعه و متعاقباً افزایش نرخ بزهکاری خواهد بود.

در مقابل در بستر دولت رفاه، اصولی همچون تضمین عدالت اجتماعی، تخصیص بودجه به بخش‌های عمومی، تأمین حداقل معیشت و رفاه فردی به‌مثابه راهبردی پیشگیرانه می‌تواند از وقوع انواعی از آسیب‌های اجتماعی و نتیجتاً افزایش بزهکاری پیشگیری به‌عمل آورد.

با در نظر گرفتن آثار دولت نئولیبرال، انتخابی که ما با آن از منظر محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی روبه‌رو هستیم این است که آیا می‌خواهیم در برابر فاجعه سرمایه‌داری و نئولیبرالیستی کشورها قربانی شویم، یا قصد داریم از این فرصت (به همان اندازه ناخواسته و خطرناک) در راستای ساخت جامعه‌ای همبسته، برابر، توأم با احترام به محیط‌زیست و هم‌نوعان استفاده کنیم؟ عقب‌نشینی کشورهای نئولیبرال از اصول و اندیشه‌های بنیادین این رویکرد در وضعیت کنونی خود گواه این حقیقت است که چنین رویکردی به‌ویژه در شرایط کنونی دستاورد مثبتی نخواهد داشت. از جمله این کشورها آمریکا و انگلستان هستند که سعی داشته با کناره‌گیری از تفکر غالب نئولیبرالیستی با اتخاذ تدابیری رفاه‌گرایانه به کنترل وضعیت موجود بپردازند.

لذا هرچند هنوز ابعاد گسترده بحران اقتصادی ناشی از این همه‌گیری، چندان آشکار نیست، ولی چند گزاره را می‌توان باتوجه‌به واکنش کشورها و نیز نهادهای مالی بین‌المللی مالی جهت کاهش حجم آسیب‌های ناشی از بحران کنونی بیان کرد:

۱- کشورهای موفق به ارائه یک استراتژی منسجم و نیز اجرای آن در مقابله با گسترش ویروس شده‌اند که فضای سیاست‌گذاری مناسبی داشته‌اند. فضای سیاست‌گذاری، بیشتر در این بحران، خود را در قالب فضای سیاست‌گذاری مالی نشان می‌دهد. در این راستا دولت‌ها باید سعی در تأمین امنیت زندگی شهروندان داشته باشند؛ بدین معنا که مشاغل، درآمدها و خدمات اساسی از جمله گسترش سریع سیستم سلامت را تضمین کنند.

۲- تخصیص سرمایه: در مواجهه با بحران، باید از قالب گزاره‌های شرایط عادی اقتصاد فاصله گرفت. اگر در این شرایط، دولت صرفاً به فکر کسر بودجه و بدهی ناشی از مقابله با گسترش ویروس باشد، عواقب ناخوشایندی در انتظار جامعه خواهد بود.

۳- کمک مستقیم به مردم و بنگاه‌های اقتصادی کوچک، در موفقیت مواجهه با بحران مهم است. ضروری است حداقلی از زندگی برای عامه مردم در شرایط بحرانی تأمین گردد تا ضمن توزیع دموکراتیک‌تر منابع، دامنه بحران وسیع‌تر نشده و آتش بحران گسترش نیابد. در غیر این صورت

افراد بسیاری بیکار شده و اگر از آنها حمایتی صورت نگیرد، چرخه معیوبی از بیکاری، ورشکستگی و در نتیجه افزایش نرخ بزهکاری بر جامعه سلطه خواهد یافت.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- سلیمانی، سجاد. «پیشگیری از اختلاس». کارآگاه. ۲(۲۶)(۱۳۹۳): ۷۱-۹۲.
- صمدی، علی حسین. «تورم، بیکاری و جرایم اقتصادی». فصلنامه رفاه اجتماعی. ۵۱(۱۳۹۲): ۱۸۹-۲۱۴.
- عارفی، مرتضی، محمد جعفر حبیب زاده، جلیل امیدوی و محمد فرجیها. «بسترهای مداخله کیفی در حوزه فقر، از سیاست جنگ با فقر تا سیاست جنگ با فقر». پژوهش حقوق کیفری. ۲۶(۱۳۹۸): ۱-۲۴.
- عدالت‌جو، اعظم و یاسر حسن‌زاده. «بررسی تأثیر مبانی نظری در مداخله دولت در عرصه‌های اقتصادی». مقاله ارائه شده در اولین همایش ملی اقتصاد خلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، ۱۳۹۵/۱۲/۰۲.
- قماش، سعید و مرتضی عارفی. «موانع سیاسی و اقتصادی پیشگیری اجتماعی از جرم». آموزه‌های حقوق کیفری ۱۳(۱۳۹۶): ۸۵-۱۱۳.
- محسنی، علی، عباس فرهادی و ناهید قمریان. «بررسی و تبیین جایگاه دولت در عرصه فرهنگی جامعه از نگاه اسلام و لیبرالیسم». فصلنامه راهبرد ۷۲(۱۳۹۳): ۷-۳۴.
- مصطفی پور، منوچهر. بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راه‌های پیشگیری از آن. مجله اقتصادی. ۳ و ۴(۱۳۹۵): ۵۱-۷۴.
- وایت، راب و فیونا هینز. جرم و جرم‌شناسی. ترجمه علی سلیمی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
- وصالی، سعید و رضا امیدوی. «سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها». فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه. ۱(۱۳۹۳): ۱۷۹-۲۰۶.
- هاروی، دیوید. تاریخ مختصر نئولیبرالیسم. چاپ اول. ترجمه محمود عبدالله زاده. تهران: انتشارات اختران. ۱۳۸۶.

ب) منابع خارجی

- Becker, Gary S. "Crime and Punishment: An Economic Approach" *The Economic Dimensions of Crime* 76(2)(1968): 13-68.
- Blaustein, Jarrett, Nathan W. Pino, and Graham Ellison. "Crime and development in the Global South." In *The Palgrave Handbook of Criminology and the Global South*, edited by ???, 205-221. Cham: Palgrave Macmillan, 2018.
- Clarke, Simon. "The neoliberal theory of society" *Neoliberalism: A critical reader* 50(2005): 59.
- Currie, Elliott. "Crime and market society: Lessons from the United States." In *The new criminology revisited*, edited by ???, 130-142. London: Palgrave Macmillan, 1998.
- Hillyard, Paddy and Steve Tombs. "Beyond criminology." *Beyond criminology: Taking harm seriously* 13(2004): 10-30.
- Horsley, Mark. "Capitalism and crime: the criminogenic potential of the free market." *Internet Journal of Criminology* (2010): 1-23.
- Horton, Eleanor. "Neoliberalism and the Australian healthcare system (factory)." In

Proceedings of the 2007 Conference of the Philosophy of Education Society of Australasia. 1-7. Australasia: Philosophy of Education Society of Australasia, 2007.

Kickbusch, Ilona and David Gleicher, *Governance for health in: the 21st century*, World Health Organization. Switzerland: word health organization, Regional Office for Europe, 2012.

Lucchese, Matteo, and Mario Pianta. "The Coming Coronavirus Crisis: What Can We Learn?" *Intereconomics* 55(2020): 98-104.

Okulicz-Kozaryn, Adam, Oscar Holmes IV, and Derek R. Avery. "The subjective well-being political paradox: Happy welfare states and unhappy liberals" *Journal of Applied Psychology* 99(6)(2014): 1300-1308.

Peters, Michael A. "The disorder of things: Quarantine unemployment, the decline of neoliberalism, and the Covid-19 lockdown crash" *Educational Philosophy and Theory* 52(2020): 1-4.

Reiner, Robert. "Neoliberalism, crime and justice." *Social justice and criminal justice* (2007): 8-22.

Saad Filho, Alfredo. "Social policy beyond neoliberalism: from conditional cash transfers to pro-poor growth." *Journal of Poverty Alleviation and International Development* 7(1)(2016): 67-94.

Smith-Nonini, Sandy. "Neoliberal infections and the politics of health: Resurgent tuberculosis epidemics in New York City and Lima, Peru." *Hahn RA, Inborn M. Anthropology and Public Health: Bridging Differences in Culture and Society. Oxford Scholarship Online* (2009).

Stark, Christian. "The Neoliberal Ideology, Its Contradictions, The Consequences And Challenges For Social Work." *Ljetopis Socijalnog Rada/Annual of Social Work* 25(1)(2018): 39-63.

Sumner, Andy, Chris Hoy, and Eduardo Ortiz-Juarez. "Estimates of the Impact of COVID-19 on Global Poverty." *UNU-WIDER, April* 43(2020): 1-15.

Wang, Ruosi. "Governance Implications Of Global Infectious Disease Epidemics Under Shared Health Governance Scheme. Lessons From Sars." PhD diss., Yale University, 2012.

"We created this beast" last modified March 23, 2020. <https://www.eurozine.com/we-created-this-beast/>

"Coronavirus, crisis, and the end of neoliberalism",last modified april 18,2020. <https://mronline.org/2020/04/18/coronavirus-crisis-and-the-end-of-neoliberalism/>

"A Socialist Cry for Civilisational Change: COVID-19 and the Failure of Neo-liberalism",last modified april 14,2020. <https://www.epw.in/engage/article/socialist-cry-civilisational-change-covid-19-coronavirus>

"Government and institution measures in response to COVID-19",last modified October28, 2020.

<https://home.kpmg/xx/en/home/insights/2020/04/united-states-of-america-government-and-institution-measures-in-response-to-covid.html>.

“Crime Rate By Country 2021”, last modified march 2021.

<https://worldpopulationreview.com/country-rankings/crime-rate-by-country>.

“Distributional Financial Accounts”, last modified June 21, 2021 <https://www.federalreserve.gov/releases/z1/dataviz/dfa/distribute/table/>.

